

## بسمه تعالی

# نقش نفت در سیاست‌های مالی کشورهای صادرکننده نفت با توجه به مورد ایران

دکتر داود دانش‌جعفری

ابوالفضل پرویزی

## چکیده

وابستگی مالی دولت به بخش نفت و ضعف اخذ مالیات در کشورهای صادرکننده نفت خام باعث گردیده مدیریت مالی دولت‌ها در این کشورها بعنوان یک چالش اساسی مطرح گردد.

تجربه شوک‌های نفتی در دهه‌های اخیر نشان داده است که سیکل‌های قیمت نفت غیرقابل پیش‌بینی و پرنوسان می‌باشد و این مسئله باعث نااطمینانی در درآمدهای دولت نفتی می‌شود و از آنجایی که بودجه دولت در کشورهای صادرکننده نفت وابستگی زیادی به درآمدهای نفتی دارد بنابراین نوسانات درآمدهای نفتی، باعث ایجاد نوسان در بودجه دولت می‌شود. از طرف دیگر یک روند افزایشی در قیمت‌های نفت در سال‌های متمادی در این کشورها باعث کاهش فشار روی بخش مالی دولت و کاهش ملاحظات مالی و افزایش هزینه‌ها می‌شود، این ویژگی‌ها می‌تواند تاثیرات مهمی روی شاخص‌های اقتصاد کلان و ثبات اقتصادی داشته باشد.

در بیشتر کشورهای صادرکننده نفت، درآمد نفتی، بخش بزرگی از بودجه دولت را تشکیل می‌دهد و وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی بسیار بالاست. در حقیقت بودجه دولت و هزینه‌های آن یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری تکانه‌های نفتی بر تقاضای کل می‌باشد. در واقع بسیاری از اختلال‌های اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت، مربوط به افزایش بیش از حد هزینه‌های دولت در دوره‌های رونق درآمدهای نفتی است. تحت رویکرد کینزی، انتظار بر این است که با افزایش ملایم بودجه دولت در دوره‌ی رونق محدود درآمدهای نفتی، اقتصاد ظرفیت و توانایی لازم برای جذب درآمدهای اضافی را داشته باشد و در نتیجه تولید ملی افزایش یابد. درحالی که با افزایش بیش از حد درآمدهای نفتی و در پی آن بودجه دولت، با توجه به اشتغال کامل عوامل تولید در طرف عرضه، نه تنها دیگر کمکی به رشد اقتصادی نمی‌کند، بلکه با گسترش فعالیت‌های رانت جویانه، اثرات برون‌رانی افزایش بودجه دولت موجب در محاق قرار گرفتن فعالیت‌های بخش خصوصی و افزایش سهم دولت در اقتصاد و عدم کارایی آن خواهد شد. بنابراین هرچه افزایش درآمدهای نفتی بیش‌تر باشد و از سوی دیگر این درآمدهای اضافی به نحو مطلوب مدیریت نشود اثرات منفی آن بر اقتصاد این کشورهای صادرکننده نفت گسترش می‌یابد.

اما مسئله مهم دیگر نحوه‌ی تخصیص درآمدهای دولت و ترکیب هزینه‌های آن و به ویژه نحوه هزینه‌کردن درآمدهای اضافی در دوره‌های افزایش قیمت نفت می‌باشد.

هزینه‌های دولت به طور کلی شامل هزینه‌های جاری و هزینه‌های عمرانی و یا سرمایه‌گذاری است. یک افزایش ملایم درآمدهای نفتی عمدتاً به هزینه‌های عمرانی، سرمایه‌گذاری و تامین نیاز منابع ارزی مورد نیاز بنگاه‌های داخل اختصاص می‌یابد، که به لحاظ نظری می‌تواند رشد تولید ملی را افزایش دهد، درحالی که

افزایش بیش از حد درآمد دولت ( از محل صادرات نفت) احتمالاً صرف افزایش هزینه‌های جاری مانند حقوق و دستمزدها، سوبسیدها و پرداخت‌های انتقالی یا هزینه‌های مربوط به آموزش و بهداشت می‌شود که این امر می‌تواند تعهدات دایمی و پایدار مالی را در آینده بر جای گذارده و رشد اقتصادی را کاهش دهد. با توجه به پیامدهای اقتصادی و سیاسی ناشی از درآمدهای نفتی به خصوص بی‌ثباتی اقتصاد کلان، برخی از کشورهای تولیدکننده نفت به منظور جلوگیری از بروز عوارض منفی درآمدهای نفتی و حفظ منابع برای نسل‌های آتی، با طراحی و تأسیس صندوق‌های نفتی، اقدام به تفکیک درآمدهای حاصل از فروش نفت و سایر منابع طبیعی از سایر درآمدهای دولت نظیر مالیات، عوارض و غیره نموده و از این طریق سعی کرده‌اند تا وابستگی درآمد دولت به نفت را محدود نمایند.

هدف مطالعه حاضر این است که عکس‌العمل سیاست‌های مالی به شوک‌های نفتی از سه طریق را مورد بررسی قرار دهد: ۱- شوک‌های قیمتی نفت ۲- نوسانات قیمت نفت ۳- چولگی قیمت نفت.

وابستگی کشورهای صادرکننده نفت به درآمد حاصل از فروش نفت و نوسانات غیر قابل پیش‌بینی قیمت و همچنین نقش پررنگ و دخالت گسترده دولت در اقتصاد این کشورها که عمده‌ترین از طریق بودجه سالیانه بعنوان مهمترین ابزار سیاست مالی ( از طریق افزایش مخارج دولتی) انجام می‌گیرد لذا در این مطالعه به بررسی نقش قیمت نفت خام در تعیین سیاست مالی در کشورهای صادرکننده نفت پرداخته شده است و بدین منظور به بررسی رابطه شوک‌های و نوسانات و چولگی قیمت نفت خام بروی نسبت هزینه‌های مصرفی یا جاری دولت به GDP ( اعتبارات هزینه‌ای) که بیشترین حجم هزینه‌های دولت در مقایسه به هزینه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری دولت را در ۵ کشور صادرکننده نفت شامل ایران، عربستان، کویت، ونزوئلا و نروژ طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۶ با استفاده از روش پنل دیتا ( روش اثرات ثابت) پرداخته می‌شود.

نتایج حاصل از تحقیق بدین صورت می‌باشد که با ایجاد یک شوک مثبت قیمت نفت خام نسبت هزینه‌های جاری دولت به GDP کاهش می‌یابد و همچنین نوسانات قیمت نفت نیز دارای تاثیر منفی بر روی نسبت هزینه‌های جاری دولت به GDP و چولگی قیمت نفت دارای تاثیر مثبت بروی نسبت هزینه‌های جاری دولت به GDP می‌دارد. که در کل بدین معنی می‌باشد کشورهای نفتی در مواجهه با شوک‌های قیمت نفت خام، هزینه‌های جاری دولت افزایش می‌یابد ولی بخشی از درآمد اضافی حاصل از شوک مثبت قیمت نفت صرف بهبود کسری بودجه یا افزایش بودجه دولت می‌شود.